

نیازهای اولیه‌ی زنان زندانی و پیامدهای ناشی از ارضاء نشدن آنها

دکتر مریم السادات اسعدی (استاد یار دانشگاه)
عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور (مرکز مهریز)

چکیده:

هر انسان در زندگی دارای نیازهای جسمی و روانی است که پاسخ‌گویی به آنها به شیوه‌ی صحیح برای ایجاد حیات سالم و ادامه آن ضروری است. زندانیان نیز، اگر چه برای تنبیه و اصلاح در زندان به سر می‌برند، اما در حد معقول باید به ارضاء نیازهای آنها توجه شود چرا که گذشته از لزوم رعایت حقوق انسانی، عدم رسیدگی به این امر، عواقب وخیم دیگری در بر دارد و لغزش‌هایی را موجب می‌شود که شنیدن اخبار

آن برای هیچ کس خوشایند نیست. در این نوشته، راجع به نیازهای اولیه (نیازهای جسمانی) زنان زندانی بحث شده است که شامل غذا، پوشاک، بهداشت، مسکن، سیگار و نیازهای جنسی می‌شود. بی‌توجهی به هر یک از موارد یاد شده، پیامدهای ویژه‌ی خود را دارد که از مهم‌ترین آنها، بروز انواع بیماری‌ها، انحرافات جنسی و وقوع جرم‌های دیگر را می‌توان نام برد.



مقدمه:

نیازهای جسمی ریشه فطری و غریزی دارند و اعتقاد بر این است که عدم ارضاء این نیازها به نوعی تاثیرات روانی بر انسان می‌گذارد. چگونگی برآورده کردن این نیازها و حد اشباع آن که موجب ارضاء انسان می‌گردد، بستگی به شرایط و هنجارهای محیط اجتماعی فرد دارد. در جامعه ای که انسان‌ها تنها با خوردن نان گرسنگی خود را برطرف می‌کنند، طبیعی است که خواسته‌ها و نیاز غذایی انسان‌های آن جامعه در همان سطح است؛ اما اگر در همین اجتماع به تدریج استفاده از گوشت عادت شود، در این صورت نیاز این انسان ارتقاء یافته و کمبود گوشت در مواد غذایی او ایجاد نارضایتی می‌کند. بنابراین، برای این که بتوانیم نیازهای مردم یک جامعه را بشناسیم می‌بایست هنجارها و ارزشهایی که بر آن نوع خاص نیاز حاکم هستند بشناسیم. زندان به عنوان یک محیط اجتماعی خاص، بر کمیت و کیفیت غرایز جسمی تاثیر می‌گذارد و می‌تواند حتی در نحوه‌ی ارضاء این غرایز انحراف ایجاد کرده و یا زندانیان را وادار به اتخاذ شیوه‌های خاص برای رسیدن به آنها بنماید.

الف) غذا:

غذا، یکی از ضروریات حیات انسان است و از آنجایی که هر زندانی در زندان کار مهمی جز خوردن و خوابیدن ندارد، بدیهی است که مسایل مربوط به آنها نیز اصل قرار گرفته و رفتارها را تحت الشعاع قرار می‌دهد به طوری که همواره یک نوع تنازع بقا در زندان وجود دارد که علت آن کافی نبودن جیره‌ی غذایی برای هر زندانی است. وجود کودکان که همراه مادران در زندان نگهداری می‌شوند، بر شدت این کمبود می‌افزاید زیرا در برخی زندان‌ها به این کودکان جیره غذایی تعلق نمی‌گیرد و مادران می‌بایست از غذای خویش، آنان را تغذیه کنند. مسله‌ی دیگر، وجود معتادین است. این افراد، پس از ترک اعتیاد برای مدتی اشتها‌ی زیادی پیدا کرده به طوری که روزانه احتیاج به چندین وعده غذا دارند در حالی که مقدار جیره غذایی آنان با دیگران فرقی ندارد به همین دلیل این افراد را در زندان اصطلاحاً "زیلو خور" یا "پتو خور" خطاب می‌کنند. بدین ترتیب، بیشترین نزاع‌ها هنگام تقسیم غذا انجام می‌شود و آن که قوی‌تر است برضعیف غلبه می‌کند بخصوص در



ب) بهداشت:

بهداشت در زندان زنان از دو جهت قابل طرح است:

۱- از جهت میزان توجه مسوولین به بهداشت و به عبارتی وجود یا عدم وجود بهداشت که بی توجهی به آن صرف نظر از تاثیر روانی، بر جسم زندانی نیز اثر می‌گذارد. توجه به بهداشت در برخی زندان‌ها که هر روز بر تعداد زندانیان افزوده می‌شود، به حداقل رسیده موجب بروز بیماری‌های پوستی و مقاربتی و بیماری‌های تنفسی (به دلیل تراکم جمعیت) شده است. در آزمونی که در برخی زندان‌ها به منظور تعیین اهمیت امکانات زندان انجام شده، امکانات بهداشتی بیشترین امتیاز را آورده و این به سبب اهمیتی است که زندانیان زن و اصولاً جنس زن برای بهداشت قایل است.

۲- از جهت نحوه‌ی ارائه خدمات بهداشتی به زندانیان چگونگی استفاده از حمام است، که از جهت تاثیر در خلاف‌های داخل زندان اهمیت دارد. در برخی زندان‌ها، حمام خصوصی و در برخی دیگر عمومی است، یعنی زندانیان به صورت دسته جمعی از آن استفاده می‌کنند. در زندان‌هایی که حمام عمومی است، بخصوص در مواردی که استحمام بدون حضور مأمور انجام می‌شود، خلاف‌های جنسی بروز می‌کند.

ج) پوشاک:

در زندان، افراد با تیپ‌های ظاهری مختلف و نوع لباسی که تعلق آنان را به قشرهای اجتماعی مختلف نشان می‌دهد وارد می‌شوند و چون اغلب در زندان زنان لباس متحدالشکلی به زندانیان داده نمی‌شود، زندانیان مجاز به استفاده از همان لباس‌های خارج از زندان خود هستند...

پوشیدن لباس‌های متنوع و شیک توسط زندانیانی که وضع مالی بهتری دارند، زندانیان بی بضاعت را سوسه کرده منجر به دزدی پوشاک می‌شود که البته در زندان‌های کوچک به دلیل



مواردی که سینی‌کش‌ها (مسوولین تقسیم غذا) عدالت را رعایت نکرده به دوستان خود غذای بیشتری می‌دهند. کافی نبودن جیره غذایی، زندانی را وادار می‌کند که قسمت اعظم مایحتاج خود را از فروشگاه زندان تهیه کند و این برای زندانیان بدون ملاقاتی و آن عده که داخل زندان شغلی ندارند که اکثریت با این عده است عملاً غیر ممکن است. این امر باعث می‌شود که زندانیان با سابقه و حرفه‌ای که معمولاً وضع مادی خوبی دارند وارد صحنه شده، در مقابل گرفتن قول همکاری از جوانان و آنها که از زیبایی بهره‌مند هستند، مخارج آنان را در زندان متحمل شوند.

کوچک بودن محیط، دزد نمی تواند لباس دزدیده شده را در زندان استفاده کند و آن را توسط ملاقاتی ها به خارج از زندان می فرستد ولی در زندان های بزرگ که امکان پیدا نمودن دزد کمتر است، در زندان از آن لباس استفاده می شود. از طرف دیگر، فرم پوشاک وبی قیدی در پوشش مناسب و استفاده از لباس های تنگ و چسبان، خود موجب تحریک غریزه جنسی می شود.

د) سیگار:

اگرچه نیاز به سیگار یک نیاز فطری و غریزی نیست ولی در بین زندانیان اهمیتی کمتر از غذا ندارد، بخصوص برای معتادین که قبلا انواع مخدر را استعمال می کرده اند چرا که اکنون تنها مخدر آنها سیگار است. با این وجود در بعضی زندان ها سیگار ممنوع است و در بعضی دیگر که کشیدن سیگار ممنوع نیست، به زندانیان جیره ی سیگار داده می شود. در این زندان ها، اگر بخواهند یک زندانی را تنبیه کنند، تامدتی جیره ی سیگار او را قطع می کنند. با مصاحبه هایی که در یکی از زندان ها انجام شد، دریافتند که قطع جیره ی سیگار برای زندانیان تنبیه شدیدی محسوب می شود، چرا که آنها حتی

حاضر بودند شلاق بخورند اما جیره ی سیگارشان قطع نشود. در یکی از زندان های بزرگ ایران به زندانیان زن جیره ی سیگار داده نمی شود، و اصولا کشیدن سیگار داخل زندان برای زندانیان خلاف محسوب می شود. اگر مساله به همین جا ختم می شد، شاید تنها تاثیری که بر زندانی داشت وارد شدن فشارهای عصبی و روانی بود ولی مساله هنگامی خطرناک تر می شود که سیگار توسط مامورین و یا ملاقاتی ها به زندان وارد می شود آن هم تعداد محدودی به طوری که هر نخ سیگار را به بهایی گزاف به فروش می رسانند. بدیهی است که پرداختن بهای زیاد سیگار برای زندانی بدون ملاقاتی و بدون شغل غیرممکن است، بنابراین عده ای برای دستیابی به سیگار، زیورآلات خود را می فروشند و چه بسا امکان دارد دختران جوانی که زیورآلات ندارند طعمه ی مقاصد منحرفین جنسی شده، در ازای یک نخ سیگار به خواسته های آنان تن دهند و آن عده که نه پول دارند و نه جاذبه ی جنسی ممکن است به روشهای جایگزین توسل جویند مثلا چای خشک را در تکه ای کاغذ پیچیده، روشن کرده دودش را استعمال کنند.





هـ) مسکن:

مسکن یا مکانی خصوصی که هر فردی بتواند در آن به سکون و آرامش دست یابد، نیاز هرانسان است. در زندان که زندگی به شیوه‌ی جمعی است، تامین مسکن خصوصی به گونه‌های مختلف جلوه گر می‌شود. مثلاً در سلول‌هایی که دارای تخت هستند زندانیان با کشیدن پرده‌ای به دور خود، تخت خود را از بقیه مجزا می‌کنند، در سلول‌هایی که بدون تخت هستند با انداختن پتو یا پارچه‌ای روی زمین، قسمتی را که مربوط به خود آنهاست از بقیه مجزا می‌کنند. مساله‌ی تخت‌خواب و جایی

برای نشستن به دلیل این که زندانی تمام اوقات خود را بیکار است اهمیت پیدا می‌کند. کمبود جا و تخت در بعضی از زندان‌ها موجب شده که زندانیان به نوبت روی زمین نشسته غذا بخورند. در مورد این که محل نگهداری و یا به طور کلی امکانات زندان‌ها در چه حدی باید باشد، دو مرحله قابل طرح است:

- ۱- مرحله‌ای که هرانسانی در هر شرایطی می‌بایست برایش فراهم باشد و یا به اصطلاح انسانیت ایجاد می‌کند.
- ۲- پس از ایجاد شرایط انسانی مرحله‌ای است که می‌باید سنجید آیا بالا بردن امکانات تاثیر مثبتی در پیشبرد اهداف



زندان دارد؟ و یا بر عکس، زیاد کردن امکانات ما را از اهداف زندان دورتر کرده ممکن است موجب شود زندانی در زندان مرتکب خلاف‌هایی شود که اگر در خارج از زندان بود در محیط آزاد زندگی می‌کرد این خلاف‌ها ممکن است تاثیری در خلاف داخل زندان نداشته باشد ولی زندان را به استراحت گاهی تبدیل کرده، حکم سرپناهی برای بی‌خانمان‌ها پیدا کند که این نیز در تکرار جرم زندانیان مهم است. بنابراین، در مساله‌ی محل سکونت زندانی می‌باید نسبت سود و زیان را در دو مساله‌ی بالا سنجید. محل سکونت زندانی از دو جهت با در نظر گرفتن مساله انحرافات جنسی قابل طرح است.

گنجایش اتاق:

در بعضی از زندان‌های موجود، زندانیان در اتاق‌های ۲۰ تا ۳۰ نفره نگهداری می‌شوند، اما در زندان‌هایی که سلول‌ها دو نفره و سه نفره تاشش نفره است، کم بودن تعداد افراد اتاق موجب تشدید انحرافات جنسی شده به آنان امکان می‌دهد دور از چشم دیگر زندانیان که احياناً در بین آنها خبرچین نیز یافت می‌شود، به مقاصد خود برسند.

تراکم زندانیان:

در زندان‌های فاقد تخت‌خواب، زندانیان روی زمین و در کنار یکدیگر می‌خوابند، تراکم زندانیان در این سلول‌ها، بخصوص هنگام خواب مسایلی را به دنبال دارد. در زندان‌هایی که دارای تخت‌خواب هستند در مواردی که تراکم زیاد است هر دو نفر روی

یک تخت و یا هر سه نفر بر روی دوتخت می‌خوابند که این تماس‌ها نیز در انحرافات آنها موثر است. علاوه بر این، تجمع زیاد زندانیان، برخورد‌های رخ به رخ رایج‌تر کرده، نزاع‌های بین زندانیان را افزایش می‌دهد.

-نیاز جنسی:

نیاز جنسی به عنوان یک نیاز طبیعی و غریزی مساله‌ای است که چندان توجهی به آن نمی‌شود و این امر مسایلی را در زندان‌های کشور به وجود آورده است. بدیهی است که یک نیاز وقتی از راه‌های طبیعی قابل دسترسی نباشد و راه مشروع آن مسدود باشد، افراد مجبور به ارضای آن از روش‌های انحرافی می‌شوند، بخصوص در زندان که افراد چندان به مسایل اخلاقی پای بند نیستند. یکی از این راه‌های انحرافی، رابطه‌ی بین دو زن است. انحراف جنسی در زندان به عنوان پدیده‌ای که تنها موجودات زندان است، می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد، چرا که هر یک از مجرمین به دلیلی به انحراف کشیده می‌شوند:

● مجرمین رابطه‌ای کسانی هستند که خارج از زندان بسیار آزاد بوده و گاهی با چندین نفر رابطه نامشروع داشته‌اند و گذشته از آن عده که خود فروشی شغل آنهاست و حرفه‌ای هستند، آن تعداد که هدفشان تنها خوشگذرانی است گاه حالت بیمارگونه دارند که به صورت رابطه با عده زیادی از مردان ظاهر می‌شود به طوری که در زندان اصطلاحاتی نیز در این زمینه دارند، مثلاً زندانی‌ای که تازه وارد است بقیه‌ی زندانیان کنجکاوند که بدانند جرم او چه بوده است و اگر تازه وارد به سوال



راه رفتن دست‌های خود را باز نگه می‌دارند و موقع نشستن بر روی دو پامی نشینند و سعی می‌کنند حرکات و رفتاری مردانه داشته باشند.

آنان که نقش زن را ایفا می‌کنند، معمولاً زندانیان جوان و زیبایی زندان هستند که اکثراً به جرم رابطه دستگیر شده‌اند. جریان این دوستی‌ها بدین صورت است که ابتدا، یکی از طرفین (زنی که خود را به شکل مرد می‌سازد) به طرف دیگر پیشنهاد دوستی می‌کند و با خرید هدایایی برای او دوستی را آغاز می‌کند. پس از جلب موافقت او، شرایطی را برای دوستی طرح می‌کند، گاهی این دوستی با واسطه‌ی فرد دیگری انجام می‌گیرد که به این افراد در زندان اصطلاحاً "جوشکار" گفته می‌شود آنکه در نقش مرد ظاهر می‌شود، دارای تمام کارکردهایی است که یک مرد در زندگی زناشویی دارد. مثلاً مخارج طرف دیگر را می‌دهد، به او دستور می‌دهد که حق ندارد با بعضی افراد صحبت کند، حق ندارد بدون اجازه‌ی او جایی برود و حتی گاهی او را مانند یک مرد خشن کتک می‌زند. طرف دیگر ناگزیر است مانند یک زن مطیع و فرمانبردار اطاعت کند. این شروط که نسبت به هر زوج ممکن است تفاوت داشته باشد، گاهی شفاهه‌به‌توافق طرفین می‌رسد، گاهی نیز کتبا قرار دادی نوشته شده و به امضای طرفین می‌رسد.

ممکن است در مواردی یک زن هم‌زمان دور فیک داشته باشد که معمولاً در این موارد، یکی از آنها برایش نفع مادی دارد یعنی به خاطر گرفتن مخارج با او دوست می‌شود و دیگری برایش حکم معشوق واقعی را دارد. زندانیان نیز سعی می‌کنند این عمل را با طعنه و کنایه به رخ او بکشند مثلاً می‌گویند "یکی رو برای قرت می‌خوای یکی رو برای دلت می‌خوای".

از مجموع آنچه بیان گردید، لزوم توجه بیشتر به وضع زندانیان زن در زندان‌ها آشکار می‌شود که امید است با عنایت به آن روز به روز سلامت فضای حاکم بر زندان‌ها فزونی گرفته در مقابل، تعداد زندانیان کاستی پذیرد.



آنان جواب ندهد، به او می‌گویند: "ولش کنید با یک ماشین آدم آمده روش نمیشه بگه" که این جمله کنایه از رابطه با عده زیادی مرد است.

این افراد اکثراً بدون شوهر هستند به طوری که ملاقات خصوصی نمی‌تواند شامل حال آنان گردد و مشکلشان پا برجاست.

● دسته‌ی دوم مجرمین که به انحرافات جنسی مبتلا می‌باشند، معتادین هستند. از این افراد، عده‌ای دارای شوهر و فرزند می‌باشند. تعدادی شوهرانشان نیز در زندان به سر می‌برند و عده‌ای بدون شوهرند. این افراد وقتی وارد زندان می‌شوند، کم‌کم اعتیاد را ترک می‌کنند اما گرایش جنسی آنان که در اثر استعمال مواد مخدر ضعیف شده بود به حالت اولیه باز می‌گردد که تنها راه ارضای این نیاز در زندان انحراف جنسی است.

● دسته‌ی سوم مجرمینی که در معرض این گرایش هستند، قاتلین می‌باشند که به علت طولانی بودن مدت محکومیتشان و این که بدون شوهر هستند (زیرا اکثر شوهر خود را کشته‌اند) بنابراین ملاقات خصوصی هم نمی‌توانند داشته باشند (تن به فساد جنسی می‌دهند).

آنچه در بین سه دسته‌ی بالا مشترک است، تمایل به انحراف است ولی نحوه‌ی بروز آن که تا حدودی تابع نوع جرم آنهاست در افراد متفاوت است. بدین صورت که این انحراف در عده‌ای به شکل مردنما شدن بروز می‌کند. مردنما شدن، بیشتر در بین معتادین که به دلیل اعتیاد دارای ظاهری خشن و صوتی کلفت هستند وجود دارد. این افراد، موهای سر خود را کوتاه کرده، انگشتر عقیق به دست می‌کنند، بلوز و شلوار می‌پوشند هنگام

منبع:

آسیب‌شناسی اجتماعی، تاثیر زندان بر زندانی، عباس عبدی، موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور تهران، چاپ اوخل: ۱۳۷۱